

بسم الله الرحمن الرحيم

پرداخت خون به بهای جدایی

(ترجمه)

اخبار بیان داشته که وزرای رژیم یهودی درخواستی برای کسب موافقت لازم برای هجوم به مسجدالاقصی در روز پنجشنبه 2023/5/18 ارائه کردند و این امر با اصرار دولت اشغالگر بر اجرای راهپیمایی پرچم طبق برنامه صورت گرفت.

رژیم یهود اصرار بر تحریک احساسات مسلمانان با این گونه تهاجمات و این راهپیمایی سالانه دارد و به احساسات مسلمانان و مردم فلسطین که آن‌ها را با کشتار، بمب‌گذاری و ترور از بین می‌برد، ارزشی قائل نیست و به خشونت‌ها اهمیت نمی‌دهد. واکنش‌های نظام‌های سرمست احاطه‌کننده سرزمین مبارک هم برایش مهم نیست، چون راه‌پیمایی عبارت از همان برگ برنده‌ای است که شانس انتخاباتی سران حاکم را در این رژیم افزایش می‌دهد و آنان را در ساختن جایگاه سیاسی شان کمک می‌کند. به همین اساس به تمام نکوهش‌های درون‌خالی نظام‌ها و حکومت فلسطین اهمیت نمی‌دهند؛ زیرا با این تقبیحات و واکنش‌های بی‌ارزش آنان آشنا هستند.

یهودیان در این تهاجمات و راهپیمایی‌ها به نظم جهانی و مزدوران آمریکا در میان حاکمان سرزمین‌های ما تکیه می‌کنند، زیرا این‌ها فقط دکمه‌هایی هستند که هر وقت بخواهد روی آن‌ها فشار می‌دهد و واکنش‌ها را از نظر محتوا و چارچوبی که در خدمت سیاست وی باشد، تنظیم می‌کند. رژیم یهودی احساس می‌کند که از خطر و از واکنش‌های حقیقی که باید موازی به ارزش و وزن مسجد الاقصی و سرزمین مبارک و به اندازه وسعت و سنگینی این موضوع برای امت باشد، در امان است. این رژیم احساس آرامش و امنیت می‌کند، چون درک می‌کند که این نظام‌ها از وی محافظت می‌کنند و روابط شان با او عادی می‌شود و حکومت خودگردان فلسطین نیز از همین نظام پیروی می‌کند و افقی که حکومت خودگردان فلسطین می‌تواند در آن فعالیت کند، افتادن در آغوش سازمان ملل، محکوم کردن و درخواست حمایت بین‌المللی است.

با توجه به این حقایق، موضوع سرزمین مبارک هم‌چنان از یک تشدید به دیگری در نوسان است و این سوال هم‌چنان باقی است: افق سیاسی حاکم بر این گرداب چیست؟

در مقابل این سوال، همه می‌ایستند، چه رژیم یهودی و چه دیگران در مقابل این واقعیت ایستاده‌اند که ما به کجا خواهیم رفت؟ از یک تشدید تنش به دیگری، از یک دور جنگ به دور دیگر از جنگ، از یک بمباران به دیگری، پس راه حل چیست و افق چیست؟

افق سیاستمداران یهودی، که بر سر قدرت نشسته‌اند، اینست که به فکر بیرون‌راندن مردم فلسطین از سرزمین مبارک باشند، این سرزمین در انحصار آن‌ها باشد و آرزو دارند که مردم فلسطین را آواره کنند و از طریق فشار اقتصادی و محدودیت‌های امنیتی از شر آنها خلاص شوند؛ در حالی که خودشان متوجه غیرممکن بودن آن هستند و بحرانی را مدیریت می‌کنند که نمی‌توانند راه‌حلی برای مسئله‌ای بیابند که به انحراف رفته است.

امریکا نیز حل و فصل موضوع فلسطین را به حل مسائل انسانی ناشی از این اشغالگری می‌بیند که ضامن سردسازی منطقه باشد؛ زیرا امریکا به همراه نظام‌های مزدور حاکم بر سرزمین‌های اسلامی منافعی دارد که باید سرمایه‌ها، امکانات و خاک امت اسلامی در یک بشقاب طلا به آمریکا تقدیم کرده شود. بنابراین، تبدیل به مناطق نفوذ و موقعیت استراتژیک شده است که در آن پایگاه‌های نظامی مستقر کرده و با تسلط خود بر این منطقه بر جهان حکومت می‌کند. امریکا راه‌حلی می‌خواهد که منافع وی را تهدید نکند. در عین حال رژیم یهود را به عنوان پایگاهی دائمی در جنگ با امت اسلامی نگه‌دارد و برای جلوگیری از وحدت آن در یک مجموعه سیاسی تلاش می‌کند و این را در راه‌حل دو دولتی می‌بیند.

با این حال، با توجه به شرایط و واقعیت‌های تحمیل‌شده توسط رژیم یهود، ناممکن بودن راه‌حل دو دولتی را همه طرف‌ها می‌دانند، زیرا شهرک‌های آن در سرزمین مبارک گسترش یافته و از هر جهت کشیده شده است و جایی برای دولت کوچک دیگری در کنار آن وجود ندارد. بنابراین، افق واقعی برای این راه‌حل نیست و از سوی دیگر، حکومت خودگردان فلسطین ابزاری در دست امریکاست. به همین جهت همواره خواستار راه‌حل دو دولتی است؛ با وجودی که می‌داند این یک سراب و توهمی غیر قابل اجرا است، اما به دنبال حفظ خود و امتیازات رهبری خود است و فقط به همین خاطر به امریکا پیشنهادها و امتیازات دائمی می‌دهد.

این‌ها افق‌های سیاسی فریبنده و متوهم حاکم بر این گرداب است، اما افق حقیقی و عملی خروج از این گرداب، بیرون ساختن و دور کردن اهل فلسطین و امت از آن خواهد بود. افق حقیقی راه‌حل همان راه‌حل بنیادی با ریشه‌کن کردن این رژیم به صورت یکبارگی و همیشه‌گی است و برای خروج از این گرداب از این دستگیری‌ها، خواری، ذلت و نابودی و بمباران، بکارگیری این راه‌حل و بازگشتاندن اهل فلسطین و پیوندشان با امت شان لازم است تا اینکه قضیه تبدیل به قضیه امت گردد.

فقدان این راه‌حل، به کارنگرفتن و عدم آگاهی از آن به طور مستمر و دائمی برای امت اسلامی و به ویژه مردم فلسطین به بهای خون تمام می‌شود، پس چرا آزادی فلسطین و ریشه‌کن کردن آن رژیم را به تعویق می‌اندازیم؟

امت اسلامی توان آزادسازی سرزمین مبارک را دارد و طلب کمک از امت و لشکریانش و بکارگیری این راه‌حل لازم است و اگر کسی هست که بدون امت اسلامی بتواند سرزمین مبارک را آزاد کند، چرا این کار را نمی‌کند؟ اگر او این کار را نکند؛ در حالی که می‌تواند فلسطین را آزاد نماید، چنان که نظام ایران ادعا می‌کند، این خیانت است! آیا می‌خواهد مردم فلسطین در اشغال بمانند و محل اسرای رسول الله صلی الله علیه وسلم زیر هتک حرمت و ذلت باشد؟ یا می‌خواهد مردم فلسطین به صورت دوره‌ای، بمباران، ویران، کشته و ترور شوند؟

ما با یک واقعیت دردناک روبرو هستیم و آن این که راه‌حل ریشه‌ای قضیه سرزمین مبارک عبارت از آزادسازی آن است و آزادسازی آن با پیوند دادن این موضوع به امت اسلامی است و تنها جهتی که قادر به آزادسازی آن است، ارتش‌های امت اسلامی هستند. به همین اساس، طلب کمک از ارتش‌های امت اسلامی لازم است و ریشه‌کن کردن این نظامی که از رژیم یهود چه با توافقات، چه با آتش‌بس، چه با مشارکت اقتصادی و عادی‌سازی روابط محافظت می‌کند و به او طناب‌های نجات می‌دهد، واجب است.

این نظم باید ریشه کن شود و خلافت راشده بر منهج نبوت اقامه گردد تا ارتش‌ها را به حرکت درآورد و فلسطین را آزاد سازد؛ در غیر آن ما بهای آن را با خون مسلمانان خواهیم پرداخت. ما از افسران و سربازان و از ارتش و فرماندهان امت اسلامی می‌خواهیم که این راه‌حل را اجرا کنند و از آن‌ها می‌خواهیم که به وجایب شرعی خود عمل نمایند و فوری برای آزادی فلسطین حرکت کنند! اگر فلسطین آزاد شود، دیگر تهاجم، ترور و خون ریخته‌شده‌ی وجود نخواهد داشت و هرگز بمب‌گذاری و هتک حرمت مسجد مبارک اقصی صورت نخواهد گرفت.

برگرفته از شماره 444 جریده الرایه

نویسنده: دکتور مصعب ابو عرقوب

عضو دفتر مطبوعاتی حزب التحریر-سرزمین مبارک فلسطین

مترجم: احمد صادق امین